

*Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 21, No. 10, Winter 2022, 147-166  
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.37376.2307

## **A Critique on the Book** ***Johnson and Sa'di: Two Intimate Strangers***

**Mostafa Hosseini\***

### **Abstract**

*Johnson and Sa'di: Two Intimate Strangers*, written by Helen Ouliaeinia, is a very useful work in the realm of Persian-English comparative literature. It deals with the unorthodox structural and thematic similarities (and somehow differences) between Johnson's *The History of Rasselas, Prince of Abissinia* and Sa'di's *Golestan*. She tries to show documentarily that Johnson's *Rasselas* has been probably influenced both structurally and thematically by the great Persian poet and writer Sa'di of Shiraz. The present book falls within the realm of the French school of comparative literature, especially "influence studies". The present paper is composed of three major sections. The first section introduces the author and his seminal book. The second part tries to discuss the book in terms of formal features. Here, typographical errors and some stylistic shortcomings are highlighted. The last section deals with the content of the book. At the end of this part, some points are suggested to enrich the text. To sum up, it is too difficult to accept the author's claims about Johnson's influences.

**Keywords:** Johnson, Sa'di, Comparative Literature, Influence Studies, *Rasselas*, *Golestan*.

\* Assistance Professor of English Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran,  
mhosseini@basu.ac.ir

Date received: 25/07/2021, Date of acceptance: 30/11/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## بررسی و نقد کتاب سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زبان هم‌دل

مصطفی حسینی\*

### چکیده

کتاب سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زبان هم‌دل، به قلم هلن اولیایی‌نیا، اثری است در قلمرو ادبیات تطبیقی (فارسی - انگلیسی) که به تأثیرپذیری کتاب سرگذشت راسلاس، شاه‌زاده حبشی (۱۷۵۹) ساموئل جانسون از گلستان سعدی می‌پردازد. کتاب حاضر در چهارچوب ادبیات تطبیقی، خاصه مکتب فرانسوی، قرار می‌گیرد، زیرا اولیایی‌نیا براساس منابع معتبر و درجه اول یک‌یک این موارد تأثیرپذیری را برشمرده است. از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی مکتب تطبیقی فرانسوی بررسی روابط ادبی، خاصه تأثیر و تأثرات بین نویسندگان و شاعران ادبیات کشورهای مختلف، است. مقاله حاضر به بررسی این کتاب در قلمرو ادبیات تطبیقی، به‌ویژه مطالعات تأثیر و تأثر، می‌پردازد. این مقاله دارای سه بخش اصلی است: بخش اول به معرفی اثر و نویسنده آن می‌پردازد و نقاط قوت و ضعف آن را مشخص می‌کند. بخش دوم درباره تحلیل صوری کتاب است و نقایص آن را برمی‌شمرد. و بخش سوم به تحلیل محتوایی اثر می‌پردازد. در پایان این بخش نکاتی عرضه شده است که به غنای این اثر کمک می‌کند. نتیجه تحقیق این است که نمی‌توان مدعای نویسنده را، که جانسون از طریق ترجمه‌های لاتین و فرانسوی از آثار فارسی با سعدی و اثرش آشنا شده و از آن در نگارش راسلاس به‌ویژه از لحاظ ساختار، مضمون، و شیوه روایی تأثیر پذیرفته است، قبول کرد.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات تطبیقی، ساموئل جانسون، تأثیر و تأثر، سعدی، گلستان، راسلاس.

\* استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران،

mhosseini@basu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

ادیب، شاعر، و سخن‌ور بزرگ انگلستان، ساموئل جانسون (Samuel Johnson)، از برجسته‌ترین نمایندگان فرهنگ و ادبیات انگلیسی در عصر نئوکلاسیک (۱۶۶۰-۱۷۸۹) به‌شمار می‌رود. مردی پر دانش که در قلمروهای مختلفی نظیر فرهنگ‌نویسی، تذکره‌نویسی، و تصحیح متون کارهای منحصر به فرد و بزرگ کرده است. او نخستین فرهنگ بزرگ زبان انگلیسی (*A Dictionary of the English Language*) را تألیف و تدوین کرد که نگارش آن نه سال به طول انجامید. وی هم‌چنین با نوشتن کتاب *زندگی‌نامه برجسته‌ترین شاعران انگلیس* (*Lives of the Most Eminent English Poets*) اولین سنگ‌بنای تذکره‌نویسی، در معنی اخص کلمه، را بر زمین زبان و ادبیات انگلیسی گذاشت. به علاوه، طبع انتقادی او از مجموعه آثار نمایشی شکسپیر (*The Plays of William Shakespeare*)، در هشت مجلد، بهترین تصحیح انتقادی مجموعه آثار نمایشی شکسپیر در عصر نئوکلاسیک به‌شمار می‌آید.

جانسون (۱۷۰۹-۱۷۸۴) تفرنی شعر نیز می‌سرود. از او اشعار زیادی برجای نمانده است، اما همین مقدار اندک وی را در شمار شاعران طراز اول عصر قرار می‌دهد. وی در زمینه مقاله‌نویسی و روزنامه‌نگاری نیز بسیار فعال بود و با مجلات و نشریات معروف دوره نئوکلاسیک مثل *مجله جنتلمن*، *دوهفته‌نامه رمبلر*، *گاه‌نامه دونچر*، و *هفته‌نامه آیدلر* همکاری کرد و برای آنان تعداد زیادی مقاله نوشت. افزون بر این‌ها، جانسون در زمینه ادبیات داستانی نیز ذوق‌آزمایی کرده است. تنها اثر داستانی او *سرگذشت راسلاس، شاهزاده حبشی* (*The History of Rasselas, Prince of Abissinia*) است. وی *سرگذشت راسلاس* را در سال ۱۷۵۹ ظرف یک هفته، البته فقط شام‌گاهان، نوشت که نشان‌دهنده توانایی قلم او است. جانسون از یک‌سو برای تکفین و تدفین مادر محترمش شدیداً به پول محتاج بود و از دیگر سو، از آن‌جا که در سال ۱۷۳۵ کتابی را در همین جهت — *سفری به حبشه اثر جروم لوبو* (*A Voyage to Abyssinia by Father Jerome Lobo*) — از فرانسه به انگلیسی ترجمه کرده بود، با موضوع اثر نیز کاملاً آشنایی داشت.

در این مقاله، سخن بر سر کتاب *سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زبان هم‌دل*، تألیف هلن اولیایی‌نیا، است که به تأثیرپذیری *سرگذشت راسلاس، شاهزاده حبشی* اثر ساموئل جانسون از *گلستان سعدی* می‌پردازد. این کتاب، علاوه بر یک پیش‌گفتار و بخش منابع و مأخذ، شش فصل دارد، اما متأسفانه فاقد نمایه اعلام است. عناوین فصل‌های شش‌گانه آن عبارت‌اند از: ۱. مقدمه (احتمال آشنایی ساموئل جانسون با ادبیات فارسی و *گلستان*)، تأثیر

مکتب جانسون در گرایش وی به ادبیات شرق، سرخ‌های بیش‌تر درباره تأثیرپذیری)، ۲. جهان‌بینی کلاسیک جانسون و سعدی (ادبیات پندآموز)، ۳. تشابه ساختار داستان در داستان گلستان و راسلاس (دیدگاه و شیوه روایی گلستان و راسلاس)، ۴. مضامین مشترک میان گلستان و راسلاس (آز و طمع، قدرت و موقعیت قدرت‌مندان؛ غرور، حسادت، و بخل؛ نخوت و قدرت‌طلبی؛ سرنوشت و بی‌اعتباری عمر؛ تفوق عقل بر احساس؛ منزلت علم، کردار نیک، خانواده و تربیت فرزندان، مضامین مذهبی در گلستان و راسلاس)، ۵. تشابه سبک و لحن در گلستان و راسلاس (آرایش‌های متوازی و مقارن در راسلاس؛ ساختارهای قرینه ولی متناقض‌نما از نظر معنایی؛ صنعت متناقض‌نما در ساختار جملات؛ هم‌نشینی آوایی؛ مقایسه لحن در گلستان و راسلاس)، ۶. چند نکته تکمیلی. ضرورت و جنبه نوآورانه این اثر آن است که نویسنده نخستین به تفصیل و با ذکر شواهد و مستندات درجه اول در زبان فارسی به این موضوع پرداخته است.

## ۲. معرفی اثر و نویسنده

کتاب سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زبان هم‌دل (۱۳۹۸) آخرین اثر منتشرشده هلن اولیایی‌نیا، استاد برجسته ادبیات انگلیسی دانشگاه اصفهان، است. پیش از آن‌که اثر حاضر در قالب کتاب منتشر شود، مؤلف بخش‌هایی از آن را در قالب مقاله (به انگلیسی و فارسی) منتشر کرده بود: الف. به فارسی: «جهان‌بینی کلاسیک سعدی و جانسون در گلستان و راسلاس» (۱۳۷۹-۱۳۸۰)، ب. به انگلیسی: «جانسون و سعدی: دو بیگانه آشنا» (Johnson and Saadi: Two Intimate Strangers) (۲۰۰۷/۱۳۸۵)، و «بررسی تطبیقی گلستان سعدی و راسلاس جانسون» (۲۰۰۸/۱۳۸۶). کتاب سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زبان هم‌دل در قلمرو ادبیات تطبیقی (انگلیسی-فارسی) مکتب فرانسه- حوزه تأثیر و تأثر (influence studies) قرار می‌گیرد. این حوزه از گسترده‌ترین، بحث‌انگیزترین، و دشوارترین قلمروهای ادبیات تطبیقی است. چنان‌که از زیر‌عنوان آن به‌روشنی دانسته می‌شود، این اثر درباره تحلیل تطبیقی سرگذشت راسلاس (*The History of Rasselas, Prince of Abissinia*) ساموئل جانسون و گلستان سعدی است. برخلاف آثاری که این روزها تحت عنوان تطبیقی (در قالب کتاب و مقاله) نوشته می‌شود، این اثر در معنی دقیق و اخص کلمه پژوهشی تطبیقی است. به‌نظر می‌رسد این تکنگاشت تحقیقی چند خصیصه بارز دارد. نخست این‌که این تحقیق یک‌سره بر منابع دست‌اول و مستند استوار است. دیگر این‌که کاملاً روش‌مند و نظام‌مند است و

مؤلف براساس مبانی تحقیق ادبیات تطبیقی در این کتاب کوشیده است تا نشان دهد که سرگذشت راسلاس، شاه‌زاده حبشی (۱۷۵۹) تحت تأثیر گلستان شیخ اجل، سعدی، نوشته شده است. به‌باور او، این همانندی‌ها/ وجوه اشتراک و به‌بیان دقیق‌تر این تأثیرپذیری‌ها عبارت‌اند از ساختار، سبک نگارش، و مضامین اخلاقی- فلسفی- اجتماعی. مؤلف پژوهش خود را بر دو پرسش- میزان آشنایی جانسون با ادبیات فارسی، خاصه سعدی، و میزان تأثیرپذیری او از گلستان سعدی در راسلاس- استوار کرده و کوشیده است که پاسخ(هایی) مستند برای آن‌ها بیابد. سوم این‌که کتاب حاضر از انسجام، پیوستگی، و وحدت مضمون برخوردار است و بین مطالب عرضه‌شده در کل اثر نظم منطقی و یک‌پارچگی وجود دارد.

هلن اولیایی‌نیا نویسنده و مترجمی پرکار است. از وی، افزون‌بر مقالات متعدد در زمینه‌های مختلف، چندین کتاب (تألیف و ترجمه) درباره ادبیات انگلیسی- آمریکایی (ویلیام شکسپیر نویسنده یا روان‌شناس؛ هنر شاعری هوراس و مقاله شعری دراماتیک درآیدن، بررسی شیوه روایی در سه رمان فاکنر، و...)، ادبیات فارسی (تضادهای دوگانه در هفده نمایش‌نامه اکبر رادی، نقد حال ما، کلیدز: کلید زبان در قفل تاریخ؛ مثلث خانه، جامعه و جهان؛ و...)، و ادبیات جهان (هنریک ایبسن: منادی حقیقت و آزادی در نمایش‌نامه نوین؛ داستان کوتاه در آینه نقد، بوطیقای ارسطو، تراژدی چیست؟، آناتومی تراژدی؛ مسخ و نقد مسخ؛ ابلهان زمان، و...) منتشر شده است. به‌علاوه، اولیایی‌نیا چندین کتاب هم به‌انگلیسی تألیف کرده است که عبارت‌اند از: متون نثر ساده (Simple Prose Texts)، سفر به سرزمین جادویی شعر (A Trip to the Wonder Land of Poetry)، و راه‌نمای تحلیل داستان (A Guide to the Analysis of Short Story). هلن اولیایی‌نیا دانش‌آموخته ادبیات انگلیسی از دانشگاه ویسکانسین- مادیسون است و سال‌هاست که در گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه اصفهان مشغول تحقیق و تدریس است.

### ۳. تحلیل صوری اثر

کتاب سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زبان هم‌دل در قطع رقعی مشتمل بر ۹۴ صفحه و با کیفیت چاپ و صفحه‌آرایی نسبتاً مناسبی به‌همت نشر «نگاه معاصر» منتشر شده است، اما نه تنها در سنجه با کتب خارجی، بلکه حتی در قیاس با برخی از کتاب‌هایی که برخی ناشران داخلی با کاغذ نازک، جلد کاغذی، و قلم مناسب منتشر می‌کنند کیفیت نازل‌تری دارد. طراحی جلد کتاب تقریباً چشم‌نواز و جذاب است. در مجموع، با اندکی تسامح، می‌توان شکل ظاهری کتاب را مناسب و مقبول تلقی کرد.

اغلاط مطبعی جزء جدایی‌ناپذیر کتاب‌های داخلی است که متأسفانه پاره‌ای از آن‌ها به کتاب حاضر نیز راه یافته است و در ادامه این بخش به آن‌ها خواهم پرداخت. امروزه نمایه‌ اعلام جزء لاینفک هر کتابی است که متأسفانه کتاب حاضر فاقد آن است. باین‌که علی‌رضا بارچانی این کتاب را ویرایش کرده است، در جای‌جای کتاب مواردی هست که از چشم او دور مانده است که آن‌ها را برخواهم شمرد و در هر مورد پیش‌نهادهایی هم عرضه خواهم کرد. باین‌همه، اگر از پاره‌ای از موارد چشم‌پوشی کنیم، کتاب حاضر نثری روان و یک‌دست دارد و کاملاً رسا و مفهوم است.

**اغلاط مطبعی و موارد ویرایشی کتاب:** متأسفانه پاره‌ای اغلاط مطبعی و ویرایشی به کتاب حاضر راه یافته است که آن‌ها را در دو دسته کلی ارائه می‌کنم:

الف. اغلاط مطبعی: ۱. صفحه ۳ تحلیلی تطبیقی *گلستان سعدی و راسلاس جانسون* (تحلیل تطبیقی *گلستان سعدی و راسلاس جانسون*، ضمناً این غلط چاپی بر روی جلد کتاب نیز آمده است)، ۲. صفحه ۱۴... ولی هم‌چنان موضوعی کنج‌کاوبرانگیز در پس‌ذهنم بود (... ولی هم‌چنان موضوعی کنج‌کاوی‌برانگیز در پس‌ذهنم بود)، ۳. صفحه ۱۴ و نتیجه به مقاله مبسوطی که در مجموعه‌ی توسط روان‌شاد ایرج افشار... به‌چاپ رسید (و نتیجه به مقاله مبسوطی که در مجموعه‌ای توسط روان‌شاد ایرج افشار... به‌چاپ رسید)، ۴. صفحه ۱۷ به‌تأکید یوهنان... (به‌گمانم ضبط رایج [تر] یوحنان است: به‌تأکید یوحنان، گفتنی که این غلط چاپی در صفحه ۲۲ نیز تکرار شده است)، ۵. صفحه ۴۵ قبل از پرداخت به نقطه‌نظرهای ناقدان، خلاصه‌ای از داستان *راسلاس* ارائه می‌گردد (قبل از پرداختن به نقطه‌نظرهای ناقدان، خلاصه‌ای از داستان *راسلاس* ارائه می‌گردد)، ۶. صفحه... از قول ایملاک خانواده را به یک پادشاهی بزرگ تشبیه می‌کند (از قول ایملاک خانواده را به یک پادشاهی بزرگ تشبیه می‌کند).

ب. موارد ویرایشی: ۱. صفحه ۱۰ یادداشت‌های هر گفتار در پایان هر گفتار آمده است (یادداشت‌های هر گفتار در پایان همان گفتار آمده است). ۲. صفحه ۱۱ چرا که نه؟ می‌توانی مقاله این ترمت را برای این درس درمورد جانسون و سعدی بنویسی (بله، حتماً). می‌توانی مقاله این نیم‌سالت را برای این درس درمورد جانسون و سعدی بنویسی). ۳.... و گرایش خاصی به ادبیات آموزنده (didactic literature) دارند (برای این اصطلاح انگلیسی در صفحه ۱۹، ۴۱، و ۵۰ ادبیات پندآموز آمده است. اول این‌که برای یک اصطلاح واحد

بہتر است در کل متن معادل واحدی استفاده شود. دیگر این‌که معمولاً برابر نهاد این اصطلاح در ادبیات فارسی ادبیات تعلیمی است). ۴. صفحه ۱۶... جانسون شیفته ادبیات عرب و فارسی بوده (باتوجه به شناختی که از زندگی نامه ساموئل جانسون به دست می‌آید واژه شیفته اندکی اغراق‌آمیز است و برای احتیاط علمی بهتر است از واژه **علاقه‌مند** استفاده شود). ۵. صفحه ۱۶ پیش از هرچیز جهت یافتن سرنخی به تأثیرپذیری، به **ژورنال جان بازول**... مراجعه نمودم (پیش از هرچیز جهت یافتن سرنخی درباره تأثیرپذیری، به **مجله جان بازول**... مراجعه نمودم). ۶. صفحه ۱۷ او را ترغیب به راه‌اندازی یک کرسی ادبیات فارسی در آکسفورد می‌نماید («یک» نالازم است: او را ترغیب به راه‌اندازی کرسی ادبیات فارسی در آکسفورد می‌نماید). ۷. صفحه ۱۹ و ۲۶ اولین چاپ ترجمه **گلستان** به قلم جورج گتینوس یا جتینوس در آمستردام با حاشیه و ترجمه لاتین بود (اولین چاپ ترجمه **گلستان** به قلم ژانتینوس در آمستردام با حاشیه و ترجمه لاتین بود، مطابق مقاله سعدی در اروپا (زرین کوب ۱۳۲۶) ضبط مانوس نام ایشان ژانتینوس است). ۸. صفحه بنابراین، پژوهش‌گر ناچار باید به تأثیر نویسندگان **کلاسیسیست** فرانسوی بر نویسندگان **کلاسیسیست** انگلیسی از جمله جانسون می‌پرداخت (بنابراین، پژوهش‌گر ناچار باید به تأثیر نویسندگان **کلاسیک** فرانسوی بر نویسندگان (نئو) **کلاسیک** انگلیسی از جمله جانسون می‌پرداخت). ۹. صفحه ۲۰ اطلاعات اروپاییان از این داستان‌ها از طریق ترجمه برخی از آن‌ها توسط دو **لاکروه** بوده است (اطلاعات اروپاییان از این داستان‌ها از طریق ترجمه برخی از آن‌ها توسط دو **لاکروا** بوده است). ۱۰. صفحه ۲۱ ایملاک می‌گوید که ایران... (گیومه از قلم افتاده است: ایملاک می‌گوید که «ایران...»). ۱۱. صفحه ۲۲ برای مثال آرچر به ماهیت ارسطویی **داستان** شماره ۲۰ از **بخش هفتم گلستان** اشاره دارد (برای مثال آرچر به ماهیت ارسطویی **حکایت** شماره ۲۰ از **باب هفتم گلستان** اشاره دارد). ۱۲. صفحه ۲۲... سعدی از افتخارات کلاسیک قرن **سیزدهم میلادی** در ایران به‌شمار می‌آید (سعدی از افتخارات کلاسیک قرن **هفتم هجری** در ایران به‌شمار می‌آید، در کتابی که مخاطبان آن فارسی زبان هستند تاریخ قمری یا شمسی مرجح است. ضمناً این تاریخ میلادی چند سطر پایین‌تر دوباره تکرار شده است). ۱۳. صفحه ۲۳ بند (پاراگراف) دوم صفحه ۲۳ نقل قول است و نقل قول‌های بیش از چند سطر باید به صورت یک بلوک (block) ارائه شود. ۱۴. صفحه ۲۳ همه‌جا در ایران و عربستان و... قائل‌اند» (گیومه از قلم افتاده است: «همه‌جا در ایران و



عربستان و... قائل اند» (۱۵). صفحه ۲۵ بند دوم صفحه ۲۴ نقل قول است، بنابراین تمام بند دوم، که با جمله «برای شاعر هیچ چیز بیهوده نیست آغاز می شود»، باید بلوک شود. درضمن، گیومه آغازین نیز باید حذف شود. ۱۶. صفحه ۲۵ دنیا مسیحیت و دنیای محمدی (اندکی بوی ترجمه می دهد: دنیا مسیحیت و دنیای اسلام). ۱۷. صفحه ۲۶... جانسون دست کم باید نویسندگانی که ترجمه شعر فارسی در سفرهای شاردن را توصیه کرده اند خوانده باشد (... جانسون دست کم باید نویسندگانی که ترجمه شعر فارسی در سفرنامه شاردن را توصیه کرده اند خوانده باشد). ۱۸. صفحه ۲۸ ضبط نام این سه مترجم مستشرق نام دار فرانسوی: آنتوان گالان، آندره دوریه، و دولاکروا ( Gallan, Andre Dorrieh, la Croix, Petis de la Croix, Andre Dorier, Galland). ۱۹. صفحه ۳۳... داستان بیستم از باب هفتم دقیقاً یادآور بحث های ارسطو در مورد ماهیت مالکیت است (حکایت بیستم از باب هفتم دقیقاً یادآور بحث های ارسطو در مورد ماهیت مالکیت است). ۲۰. صفحه ۵۱ تمام بند دوم، که با جمله «آن ها به شهر و روستا سفر می کنند»، نقل قول است باید بلوک شود. ۲۱. صفحه ۵۱... انگاره مشترکی وجود دارد که آن انگاره جست و جو است (واژه مناسب در این بافت «طلب» است... انگاره مشترکی وجود دارد که آن انگاره طلب است. درضمن این کلمه در صفحه ۵۳ سطر دوم تکرار شده است که باید اصلاح شود). ۲۲. صفحه ۵۵ پس از خروج از این مکان، راسلاس به هم راه خواهرش، پکوا، و ندیمه او، نکایا، و استادش، ایملاک، به جهان گردی می پردازد (نام خواهر راسلاس نکایا و ندیمه او پکواست: پس از خروج از این مکان، راسلاس به هم راه خواهرش، نکایا، و ندیمه پکوا او و استادش، ایملاک، به جهان گردی می پردازد). ۲۳. صفحه ۷۸ قسمت های شاخص شده در عبارات و جملات از نگارنده است (ظاهراً برابر نهاد marked انگلیسی است، «مشخص / معین یا مشخص شده / معین شده» معادل بهتری است: قسمت های مشخص / معین شده در عبارات و جملات از نگارنده است).

#### ۴. تحلیل محتوایی اثر

از منظر ز. س. پراور، تطبیق گر برجسته آمریکایی، تأثیر و تأثر شاعران و نویسندگان از یکدیگر به دو حوزه کلی تقسیم می شود. نوع اول عبارت است از بررسی وام گیری مستقیم و نوع دوم عبارت است از بررسی وام گیری غیرمستقیم (پراور ۵۷). در مبحث بررسی تأثیر

و تأثر شاعران و نویسندگان از دیگر ادبیات‌ها گام مهم نخست تشخیص نوع تأثیرپذیری (مستقیم یا غیرمستقیم‌بودن) آن است؛ یعنی این‌که آیا تأثیرپذیری از ره‌گذر مطالعه مستقیم و به‌مدد دانستن زبان و در مطالعه گرفتن آثار نویسنده مذکور یا از طریق زبان(های) میانجی و واسطه‌هایی نظیر مترجمان، سیاحان، و مبلغان بوده است؟ انجام چنین تحقیقاتی مستلزم در اختیار داشتن یک بایگانی خوب است و افزون‌بر آثار ادبی نویسنده تطبیق‌گر باید به زندگی‌نامه خودنوشت، نامه‌ها، یادداشت‌های روزانه (روزنگارها)، مصاحبه‌ها، و مواردی از این دست متعلق به نویسنده، در صورت امکان و وجود، مراجعه کند. خوش‌بختانه در باب جانسون کتاب ارزش‌مند *زندگی‌نامه ساموئل جانسون*، اثر جیمز بازول، در دست است که از قضا برای آشنایی با گوشه‌های تاریک زندگانی جانسون و محیط ادبی و فرهنگی انگلستان آن روزگار منبع مهمی است و بی‌تردید می‌تواند در پاره‌ای از موارد سودمند و راه‌گشا باشد.

نویسنده در اثر حاضر به بررسی شناخت و علاقه جانسون به ادبیات فارسی، خاصه *گلستان سعدی*، و هم‌چنین به جست‌وجوی منابع و مآخذ مورد استفاده او می‌پردازد. چنان‌که می‌دانیم، جانسون زبان فارسی نمی‌دانست. از همین رو، به واسطه زبان‌های میانجی، در این جا لاتین، فرانسه، و انگلیسی، با *گلستان سعدی* آشنا شد. احتمالاً زمینه اصلی آشنایی او با *گلستان سعدی* از ره‌گذر مترجمان اروپایی بود که ترجمه‌های متعددی را از *گلستان سعدی* در آن روزگار عرضه کرده بودند. در کتاب حاضر نویسنده می‌کوشد، از سویی، با تکیه بر مدارک و مستندات، نشان دهد که جانسون تا چه اندازه با ادبیات فارسی، به‌ویژه *گلستان سعدی*، آشنا بوده که از آن تأثیر پذیرفته است. از دیگر سو، این آشنایی و تأثیرپذیری از چه طریقی صورت گرفته است؟

نقایص و کاستی‌های کتاب حاضر را به دو بخش مجزا تقسیم می‌کنم: الف. بخشی که به جزئیات برخی از فصول، با برشمردن مصادیق آن، می‌پردازد، ب. بخشی که به کلیت این اثر مربوط می‌شود.

#### ۱.۴ جزئیات

۱. «او حتی خود به ترجمه آثاری که آشکارا متأثر از آثار شرقی بوده‌اند، پرداخته و از طریق مطالعه ترجمه [سفرنامه] شاردن، مستشرق و ایران‌شناس فرانسوی، با آثار کلاسیک فارسی آشنا بوده است» (اولیایی نیا ۱۳۹۸: ۹).

در این‌که شاردن در سفرنامه‌اش به شاعران ایرانی پرداخته است هیچ تردیدی نیست:

شاردن نخستین فرانسوی ای بود که در سفرنامه خود از فردوسی و شاهنامه و برخی دیگر از شاعران ایرانی و آثار آن‌ها یاد کرد و اگرچه اطلاعاتش در این خصوص ناقص بود، ولی توجه جامعه ادبی فرانسه را به ادبیات فارسی جلب کرد (حدیدی ۱۳۹۳: ۲۴۸).

اما این سخن مؤلف تنها در صورتی درست است که جانسون متن ده‌جلدی *سفرنامه* شاردن را به فرانسه خوانده باشد و متأسفانه در این زمینه مستندی در دست نداریم. بی تردید، *سفرنامه* شاردن از آثار عمده درباره شرق به زبان فرانسه است و خوش‌بختانه در انگلیسی هم روایت مختصر آن هم‌زمان با روایت فرانسوی انتشار یافت. به‌علاوه، شاردن بیش از هرکس دیگر در زمان خود در معرفی شعر و ادب فارسی به اروپا کوشید و بیش از چهارصد صفحه از *سفرنامه* خود را به توصیف علم و هنر در ایران اختصاص داد. شاردن آثار شماری از شاعران و نویسندگان را از حکمت لقمان گرفته تا غزلیات حافظ ترجمه و تفسیر کرد. وی به سعدی بسیار علاقه‌مند بود و بخش‌هایی از *بوستان*، *گلستان*، و هم‌چنین قسمت‌هایی از رساله *نصیحة الملوک* سعدی را به فرانسه برگرداند. برگردان‌های شاردن آمیزه‌ای است از داستان‌ها و مثل‌هایی که در آن متن فارسی نبوده، اما در هر حال از آثار همان شاعر یا نویسنده برداشته شده است (جوادی ۱۳۹۶: ۵۸).

بنابراین، اگر جانسون به متن انگلیسی *سفرنامه* شاردن دست‌رسی داشته، نمی‌توانسته است از طریق این نسخه انگلیسی با ادبیات فارسی، از جمله سعدی، آشنا شده باشد، چراکه ترجمه‌های انگلیسی *سفرنامه* شاردن در روزگار جانسون فاقد بخشی بود که به ادبیات فارسی می‌پرداخت:

شاردن چاپ اول انگلیسی *سفرنامه* خود را به سال ۱۶۸۶ به چارلز دوم اهدا کرد. چاپ دیگری به انگلیسی در سال ۱۷۱۲ درآمده است، اما هیچ‌کدام از این دو چاپ قسمت مربوط به ادبیات فارسی را ندارند. این قسمت در چاپ ده‌جلدی فرانسه، جلد پنجم، فصل دوم، آمده است (همان: ۵۸).

.۲

کار دیگر دکتر جانسون اثری به نام *زندگی شاعران* است که در آن آثار تمامی شاعران انگلیسی تا زمان خود [تأکید از نگارنده همین مقاله است] را مورد نقد و بررسی قرار

داده است و زندگی‌نامه‌ای از هر کدام عرضه می‌کند که از آثار مرجع بوده و هنوز مورد استفاده و معتبر است (اولیایی نیا ۱۳۹۸: ۱۱).

بخش دوم این سخن کاملاً درست است، چراکه جانسون در این اثر کوشیده است تا ژانر تذکره‌نویسی را در ادبیات انگلیسی گسترش و ارتقا دهد. تا پیش از او، تذکره‌ها حالت انتقادی نداشتند، بیش‌تر به مدح و قدح ادبا و شعرا می‌پرداختند و خالی از مجامله و مسامحه نبودند. اما قلم جانسن به‌گراف و نابه‌جا کسی را ستایش یا نکوهش نکرده است. موجب شگفتی است که با گذشت بیش از دو‌یست سال و اندی از نگارش آن هنوز داوری‌های او در اکثر موارد صائب و درخور توجه است. مثلاً تحلیلی که وی از شعرای متافیزیک، ذیل ابراهام کولی (Abraham Cowley)، به‌دست داده است در نوع خود از درخشان‌ترین تحلیل‌ها به‌شمار می‌رود. هم‌چنین، مقاله‌اش درباره‌ی احوال و آثار الکساندر پوپ (Alexander Pope)، انصافاً، یک شاه‌کار است. نثر استوار، شیوا، و تقلیدناپذیر وی در سراسر این اثر کاملاً مشهود است و سرمشقی تواند بود برای آنان که می‌خواهند انگلیسی را دل‌نشین و گویا بنویسند.

اما بخش اول سخن نویسنده نادرست است، زیرا کتاب *زندگی شاعران* آثار تمامی شاعران انگلیسی تا زمان خود نویسنده را شامل نمی‌شود و جای چندین شاعر طراز اول در آن خالی است. شایان ذکر است که *زندگی‌نامه شعرا [بی انگلیسی]* (*The Lives of the Poets*) آخرین دستاورد مهم جانسون است که در دو مجلد (۱۷۷۹-۱۷۸۹) منتشر شد. این تذکره ادبی شامل شرح‌حال انتقادی ۵۲ تن از شاعران انگلیس از ابراهام کولی (۱۶۱۸-۱۶۶۷) گرفته تا تامس گری (Thomas Gray، ۱۷۷۱-۱۷۱۶) است. این اثر به‌درخواست گروهی از کتاب‌فروشان لندن که درصدد تهیه‌ی گزیده‌ی مفصلی از شعر انگلیسی بودند به وی، که شایسته‌ترین فرد برای این کار بود، واگذار شد و او به‌نحو احسن از عهده‌ی آن برآمد. متأسفانه، او در انتخاب شعرا مختار نبود و پیش‌نهاددهندگان شاعران را، برحسب ذائقه‌ی خود و تاحدی ذوق و سلیقه‌ی زمانه، به‌استثنای چهار تن، برگزیدند. از این‌رو، جای شاعران بزرگی مانند جفری چاسر (Geoffrey Chaucer، ۱۳۴۰-۱۴۰۰)، ادموند اسپنسر (Edmund Spenser، ۱۵۵۲-۱۵۹۹)، سر فیلیپ سیدنی (Sir Philip Sidney، ۱۵۵۴-۱۵۸۶)، جان دان (John Donne، ۱۵۷۲-۱۶۳۱)، و اندرو مارول (Andrew Marvell، ۱۶۲۱-۱۶۷۸) در این تذکره خالی است.

به تأکید یوحنا، تمام مثال‌های و نقل‌قول‌ها ویلیام جونز مندرج در این کتاب [دستور زبان فارسی] از شعرای ایرانی چون حافظ، خیام، و مولوی و به‌خصوص **حکایات سعدی** است [تأکید از نگارنده همین مقاله است] (اولیایی نیا ۱۳۹۸: ۱۷).... وگرنه از میان آن‌همه کتاب موجود در انگلستان چرا باید کتابی که حاوی آثار و مثال‌هایی از آثار ایرانیان و به‌ویژه **سعدی** داشته به هیستینگر هدیه دهد و... [تأکید از نگارنده همین مقاله است] (همان: ۲۲).

این نقل‌قول که دو بار در متن کتاب تکرار شده است دقیق نیست. نخست این که ج. د. یوحنا از خیام و مولوی نامی نبرده است. دیگر این که او بر شاعر خاصی تأکید نکرده است:

طی چند سال بعد، هرچند او کوشید که مطالعات ادبی و زبانی‌اش را در خدمت مردان روبه‌افزایش کمپانی هند شرقی قرار دهد، همه این موارد هنوز هم کار دل بود. کتاب دستور زبان فارسی او (۱۷۷۱)، که در سرتاسر قرن نوزده دانشجویان انگلیسی زبان فارسی از آن استفاده می‌کردند، گنجینه‌ای راستین از اطلاعاتی درباره شعر فارسی، از جمله نقل‌قول‌های و ترجمه‌های فراوان از اشعار فردوسی، سعدی، حافظ، و جامی بود (Yohannan 1977: 5).

شاید این مطرح شود که جانسون به ترجمه‌های انگلیسی گلستان دست‌رسی داشته است، اما پاسخ منفی است. شایان ذکر است که کتاب سرگذشت راسلاس، شاه‌زاده حبشی در ۱۷۵۹ منتشر شد. این درحالی است که نخستین ترجمه انگلیسی گلستان سعدی (که مشتمل بر گزیده‌ای از آن بود) در ۱۷۷۴ به‌اهتمام استفان سالیوان (Stephen Sullivan's *Select Fables from Gulistan, or the Bed of Roses*) منتشر شد. اما این احتمال وجود دارد که جانسون از ترجمه فرانسوی و لاتین، و به‌احتمال بعید آلمانی و هلندی، گلستان که در روزگار او دردست‌رس بود استفاده کرده باشد. متأسفانه، در اسناد برجای‌مانده از جانسون اشاره‌ای بدین مسئله وجود ندارد.

درست است که ترجمه کامل یا ناقصی از گلستان و بوستان سعدی در روزگار جانسون وجود نداشت، اما ناگفته نماند که پاره‌ای از حکایت‌های این دو کتاب به‌اهتمام نویسندگان انگلیسی به زبان انگلیسی (و گاه به‌لاتین) وجود داشت. برای نمونه، سر ویلیام جونز (Sir William Jones) حکایت «گلی خوش‌بوی در حمام روزی» (برگرفته از دیباچه گلستان)، «یکی قطره باران ز ابری چکید» (برگرفته از بوستان باب چهارم «در تواضع») و

«شنیدم که در وقت نزع نوشیروان» (برگرفته از بوستان باب اول «در عدل و تدبیر و رأی») را ترجمه کرده بود. جوزف ادیسون (Joseph Addison) حکایت «یکی قطره باران ز ابری چکید» را تحت عنوان «حکایت پارسی» (A Persian Fable) به نثر ترجمه و در مجله خود اسپکتاتور (Spectator) درج کرده بود.

۴.

در سال ۱۶۳۶ [تأکید از نگارنده همین مقاله است] یعنی ۱۰۸ سال قبل از این که هزار و یک شب با ترجمه آ. گالان منتشر شود گلستان سعدی توسط آندره دوریه، اولین مترجم قرآن کریم، ترجمه شده بود (اولیایی نیا ۱۳۹۸: ۱۸).

در این جمله، سهو و ابهامی بر قلم نویسنده رفته است. نخست این که در سال ۱۶۳۴ بود نه ۱۶۳۶ که آندره دوریه گلستان سعدی را ترجمه کرد. دیگر این که از مفهوم جمله چنین برمی آید که آندره دوریه کل گلستان سعدی را ترجمه کرده، حال آن که وی گزیده‌ای از گلستان را به فرانسه برگردان کرد و حکایات آن نیز پیوسته بود (حدیدی ۱۳۹۳: ۲۷).

۵. «در سال ۱۳۶۱ [تأکید از نگارنده همین مقاله است] اولین چاپ ترجمه گلستان به قلم جورج گنتیوس یا جنتیوس در آمستردام با حاشیه و ترجمه لاتین بود» (اولیایی نیا ۱۳۹۸: ۱۸). در این جمله نیز سهوی در قلم نویسنده وجود دارد. سال ۱۶۵۱ درست است، نه ۱۳۶۱. به علاوه، ضبط اشهر نام مترجم ژانتیوس است (بنگرید به حدیدی ۱۳۹۳: ۸۸؛ زرین کوب ۱۳۸۳: ۱۷۵). شاید خالی از فایده نباشد که به اختصار به ترجمه‌های گلستان سعدی در اروپا اشاره کنم.

سعدی در غرب از ۱۶۳۴، وقتی که آندره دوریه (André du Ryer) گزیده‌ای از گلستان را با عنوان کشور گل‌ها (Gulistan, Ou l'Empire des Roses) به فرانسه ترجمه کرد، شناخته شده بوده است. در ۱۶۵۱ ژانتیوس (George Gentius)، مستشرق هلندی، نسخه‌ای از گلستان به هم‌راه ترجمه کامل آن به لاتین را تحت عنوان رُزاریوم (Rosarium) منتشر کرد. آدام آلتاریوس (Adam Olearius) اولین ترجمه کامل (البته آزاد) گلستان سعدی را در ۱۶۵۴ تحت عنوان گل‌زار پارسی (Der Persianischer Rosenthal) منتشر کرد.

د. ج. و. دویسبرگ (J. V. Duisberg) این ترجمه را به هلندی ترجمه کرد و خود ترجمه آلمانی قبل از پایان قرن سه بار بازنشر شد (Loloi 2014: 92).

۶. «سعدی اولین شاعر ایرانی است که آثارش به فرانسه ترجمه شده است. شاید این به خاطر این است که روحیات و ذوق وی با شعرای کلاسیک فرانسه هم‌خوانی داشت» (اولیایی نیا ۱۳۹۸: ۱۸). این سخن نادرست است. علت این که گلستان سعدی مورد پسند خاطر فرانسویان قرار گرفت و خواننده بسیار یافت معلول چند علت است. یکی این که اثر او با روح زمانه هماهنگ و منطبق بود و ربطی به هم‌خوانی روحیات و ذوق وی با شاعران کلاسیک فرانسه نداشت. در واقع، آن دسته از حکایاتی که سعدی در بازگفتن دردهای اجتماعی آورده است بیش از دیگر حکایت‌ها توجه خوانندگان این دوره را جلب کرد، زیرا سحرگاه انقلاب بود و فرانسویان دوره نوینی از تاریخ خود را آغاز می‌کردند (حدیدی ۱۳۹۳: ۹۰). روحیه انتقادی سعدی در بازگفتن دردهای اجتماعی در عصری که سراسر انتقاد و آشوب بود بیش‌تر جلب توجه می‌کرد. مثلاً «آنچه لافونتن را به سعدی می‌پیوست همین روحیه انتقادی بود» (همان: ۸۲). در واقع، سعدی از زبان آنان سخن می‌راند، خاصه در بخش‌هایی که به انتقاد از صاحبان قدرت می‌پرداخت و «این مقتضیات روز بود» (همان: ۹۶).

در اواخر قرن هفدهم جنگ‌های مکرر فرانسه با کشورهای همسایه به آشفتگی اقتصادی و فقر عمومی انجامید و زمینه را برای انتقاد اجتماعی آماده کرد... رفته‌رفته شرایط برای انتقاد مساعد شد و برخی از نویسندگان را به خرده‌گیری واداشت، اما هنوز هیئت حاکمه از قدرت فراوان برخوردار بود و انتقاد مستقیم و رویارو امکان نداشت و نویسندگان می‌بایست با ایهام و کنایه و تمثیل چنین می‌کردند. در این هنگام بود که باب استفاده از گلستان سعدی و *انوار سهیلی* در پند و اندرز به شاهان و راهبری فرمان‌روایان گشوده شد. لافونتن در این کار بر دیگران پیشی گرفت... و به پیروی از گلستان و *انوار سهیلی* سیرت پادشاهان و اخلاق درویشان و فضیلت قناعت را پیش گرفت (همان: ۷۳).  
دیگر این‌که:

سعدی در استعمال مناسبات لفظی و صناعات شعری، برخلاف نویسندگان آن روزگار، اندازه نگه داشت. به همین جهت، مطالعه ترجمه آثار وی به زبان‌های فرنگی برای خوانندگان آن سامان ملال‌آور و طاقت‌فرسا نیست... به‌علاوه، سعدی آموزگار حکمت بلندپایه و ارزنده‌ای است که اصولاً برمبنای نوع‌دوستی بنیان یافته است. در واقع، آنچه بیش از همه از غربیان دل برده و آنان را مجذوب ساخته تعالیم اخلاقی سعدی است که انگیزه‌ای جز بشردوستی و بزرگ‌داشت آدمیت و شرف انسانی ندارد (ستاری ۱۳۴۳: ۴۱۰).

## ۲.۴ کلیات

نقایص کلی کتاب در چهار بخش تشابه ساختار داستان - در - داستان، مضامین مشترک، تشابه سبک و لحن، و تأثیرپذیری ساختاری و مضمونی ارائه می‌شود.

۱. تشابه ساختار داستان - در - داستان (story-within-story): نویسنده معتقد است که ساختار داستان - در - داستان *راسلاس* جانسون متأثر از *گلستان* سعدی است (اولیایی نیا ۱۳۹۸: ۴۵-۵۴). به چند دلیل که در ادامه خواهد آمد دیدگاه نویسنده نادرست است. اول این که *گلستان* سعدی، برخلاف *هزار و یک شب* و *کلیله و دمنه*، ساختار داستان - در - داستان ندارد، جز در حکایت بلند «مشت‌زن» در باب سوم که بلندترین حکایت *گلستان* است و دو حکایت در دل آن آمده است. این کتاب در واقع مجموعه حکایت‌هایی است که در هشت باب از نظر موضوع تبویب (باب‌بندی) شده است. از دیگر سو، *راسلاس* نیز ساختار داستان - در - داستان، به معنی اخص کلمه، ندارد و بیش‌تر به ژانر رمان نزدیک است تا ژانر حکایت و نمی‌توان از نظر موضوع و مضمون آن را به ابوابی تقسیم کرد. ناگفته نماند که در خلال این داستان بلند و یک‌پارچه چهار حکایت نیز آمده است. به علاوه، نویسنده در فصل پایانی بدین نکته معترف است و پنداری آرای پیشین خود را نقض می‌کند:

اگرچه *راسلاس* مانند *گلستان* به باب‌های مختلف درمورد مضامین گوناگون تقسیم می‌شود، برخلاف *گلستان* که از چندین داستان خیلی کوتاه حکایت‌گونه تشکیل شده است *راسلاس* از یک داستان یک‌پارچه تشکیل می‌شود که رخدادهای آن چند شخصیت مشخص و واحد را تا پایان شامل می‌شود (همان: ۸۷).

۲. مضامین مشترک (thematic similarities): نویسنده معتقد است که این دو اثر مضامین مشترکی (مانند آز و طمع؛ قدرت و موقعیت قدرت‌مندان؛ غرور، حسادت، و بخل؛ نخوت و قدرت‌طلبی؛ سرنوشت و بی‌اعتباری عمر؛ تفوق عقل بر احساس؛ منزلت علم؛ کردار نیک؛ و...) دارند و این را نشانه‌ای از تأثیرپذیری جانسون از سعدی برمی‌شمرد (بنگرید به همان: ۷۴-۵۵). اول این که نمونه‌هایی که از *گلستان* آورده است تا تشابهات مضمون دو اثر را نشان بدهد، اگر از جاده انصاف دور نشویم، چندان مرتبط نیست و مضامین مدنظر شباهت چندانی ندارند و تصنعی و نامرتب به نظر می‌رسند. دیگر این که مضامینی که نویسنده برشمرده است در هر ادبیاتی به چشم می‌خورد و هیچ بعید نیست که نویسنده پرخوانی مثل ساموئل جانسون پیش‌تر بدان‌ها برخورد کرده باشد. به علاوه، این مضامین در آثار کلاسیک یونان و روم باستان، که از قضا در عصر جانسون محبوب و مقبول بودند،



به‌وفور یافت می‌شد. جالب این‌جاست که جانسون به این دو زبان آشنایی داشت و می‌توانست این متون را به زبان اصلی بخواند. افزون‌براین، ترجمهٔ این آثار در آن عصر به‌انگلیسی نیز موجود بود. از دیگر سو، مضامینی مانند غرور، حسادت، و بخل در کتاب *مقدس* زیر عنوان «هفت گناه کبیره» (seven deadly sins) وجود دارد و نیازی نیست که نویسنده‌ای آن را از فرهنگ دیگری اخذ کند. یا فی‌المثل جانسون پیش‌تر در شعر بلند *پوچی آمال آدمی* (*The Vanity of Human Wishes*)، که متشکل از ۳۶۸ مصرع است و در اواخر سال ۱۷۴۸ سرود و در اوایل ۱۷۴۹ منتشر شد، به پاره‌ای از این مضامین از جمله حرص و آز و آمال آدمی پرداخته بود و نیازی نمی‌دید که آن را از دیگری اخذ و اقتباس کند. جدا از همهٔ این‌ها، خود نویسنده در «قسمت سرنوشت و بی‌اعتباری عمر» به‌درستی و سنجیدگی می‌نویسد: «سخن از مرگ به‌میان آمد و سرنوشت؛ مضمونی که در تمام آثار کلاسیک جهان خودنمایی می‌کند و در ادبیات عبرت‌آموز جانسون و سعدی نیز متجلی می‌گردد» (همان: ۶۳).

۳. تشابه سبک و لحن: نویسنده معتقد است که «آرایش‌هایی متوازی و متقارن در *راسلاس* آن را به *گلستان* مانند ساخته است» (بنگرید به همان: ۷۵-۸۶). به‌گمانم، شباهت چندانی بین نثر آهنگین و موجز سعدی در *گلستان* و *راسلاس* جانسون وجود ندارد. شاید در مقایسه با نثر امروز انگلیسی نثر جانسون اندکی کهنه‌گرایانه به‌نظر برسد، اما از نثر سعدی بسیار دور است و به‌زحمت می‌توان از انواع سجع و ظرایف زبانی‌ای که سعدی در *گلستان* به‌کار بسته است در *راسلاس* نشانی یافت.

۴. تأثیرپذیری ساختاری و مضمونی: چنان‌که آمد، نویسنده معتقد است که *راسلاس* جانسون از لحاظ ساختار و مضمون متأثر از *گلستان* سعدی است. به‌علاوه، به‌باور وی، «به‌نظر می‌رسد که *راسلاس* شکل گستردهٔ این داستان — [حکایت مشت‌زن جوان در باب سوم *گلستان* با عنوان «در فضیلت قناعت»] — باشد» (همان: ۵۲). دلیل نویسنده بر این مدعا وجود انگارهٔ مشترکی مانند «انگارهٔ جست‌وجو با مضمون انتخاب راه زندگی» است. در پاسخ این مدعا باید عرض کنم که انگارهٔ جست‌وجو، یا به‌بیان بهتر «طلب»، یکی از کهن‌الگوهای ادبیات جهان است و در مغرب‌زمین هم شواهد فراوان دارد. دو نمونهٔ برجستهٔ آن *ادیسهٔ هومر* و *کمدی الهی* دانته است. از این‌رو، کاربرد این انگاره توسط نویسنده‌ای غربی را نمی‌توان اخذ و اقتباس از شرق دانست. به‌علاوه، تفاوت‌هایی بین این حکایت سعدی و *راسلاس* وجود دارد. مثلاً مشت‌زن در حکایت سعدی بدین سبب عزم

سفر دارد «که از دهر مخالف به‌فغان آمده و حلق فراخ از دست تنگ به‌جان رسیده»، از این رو پای در راه می‌نهد، «مگر به‌قوت بازو دامن کامی فرا چنگ آرد». حال آن‌که، به‌گفته مؤلف در *راسلاس*، «اسباب شادمانی و خوش‌بختی» شاهزاده حبشی فراهم است، از این رو وی برای رهایی از «زندگی یک‌نواخت و ملال‌آور... و در پی زندگی پویا و هیجان‌انگیز» عزم سفر می‌کند.

افزون‌براین، نویسنده هیچ مستندی عرضه نکرده است که آیا جانسون به این حکایت سعدی دست‌رسی داشته است یا نه؟ وی تنها احتمال می‌دهد که جانسون از ره‌گذر زبان‌های میانجی — لاتین و فرانسه — با *گلستان* سعدی آشنا شده باشد. به‌علاوه، محققانی که وی به آرای ایشان استناد کرده، با تردید در این باب سخن گفته‌اند: «بر نگارنده این رساله — [افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی در ادبیات انگلیسی] — معلوم نیست که آیا جانسون مانند ولتر از رسوم و ادیان مملکت ما آگاهی داشته یا نه» (صفاری ۱۳۵۷: ۶۲). برای نشان‌دادن تأثیرپذیری نویسنده‌ای از نویسنده دیگر، مطابق ادبیات تطبیقی، باید بر مستندات تکیه کرد، نه احتمالات. جالب این است که، به‌نظر فرانسوا یوست (François Jost)، تطبیق‌گر برجسته آمریکایی، حتی وجود کتاب نویسنده‌ای در کتاب‌خانه نویسنده دیگر دلیلی بر آن نیست که وی آن را خوانده و از آن متأثر است (یوست ۱۳۹۷: ۸۳). در نبود اطلاعات دست‌اول، تنها می‌توان از «تأثیر فرضی / احتمالی» سخن گفت، نه از تأثیر قطعی. بنابراین، این ملاحظات نشان می‌دهد که در این مورد نمی‌توان مسئله تأثیرپذیری جانسون از سعدی را به‌نحو مجاب‌کننده‌ای اثبات کرد، چراکه حلقه‌های اتصال مفقوده بسیار است.

## ۵. نتیجه‌گیری

بر ما مسلم است که ساموئل جانسون با زبان فارسی آشنایی نداشته است. از این رو، نمی‌توانسته است *گلستان* سعدی را به زبان اصلی خوانده باشد. از طرف دیگر، در روزگار او، به‌جز ترجمه پراکنده از چند داستان سعدی (از حکایات *گلستان* و *بوستان*) حتی ترجمه گزیده‌ای از *گلستان* به‌انگلیسی هم وجود نداشته است. در نتیجه، تنها احتمال ترجمه از طریق زبان‌های میانجی است. از آن‌جاکه ساموئل جانسون به چند زبان خوب آشنایی داشت، احتمالاً از ره‌گذر ترجمه‌های لاتین و فرانسوی با *گلستان* سعدی آشنا بوده است، اما متأسفانه در نامه‌ها، زندگی‌نامه، و یادداشت‌های او در این باب مدرکی وجود ندارد. از این رو، نمی‌توان مدعای نویسنده را، که جانسون از طریق ترجمه‌های لاتین و فرانسوی از

بررسی و نقد کتاب سعدی و جانسون؛ ... (مصطفی حسینی) ۱۶۵

آثار فارسی با سعدی و اثرش آشنا شده و از آن در نگارش سرگذشت راسلاس به‌ویژه از لحاظ ساختار، مضمون، و شیوه روایی تأثیر پذیرفته است، قبول کرد. تردیدی نیست که اندک شباهت‌هایی مضمونی بین این دو اثر وجود دارد،

اما صرف همانندی فکری و هم‌سویی دو نویسنده دلیل بر تأثیرپذیری نیست. باید مسلم شود که نویسنده پذیرنده آثار نویسنده دیگر را خوانده و از آن‌ها به‌رمند شده است. اثبات این مطلب البته آسان نیست. به ظن و گمان هم نمی‌توان توسل جست (حدیدی ۱۳۹۳: ۶).

شاید بتوان گفت که جانسون در نگارش سرگذشت راسلاس، مضموناً، از داستان ساجد، فرمان‌روای حبشه و کوشش او در راه کام‌روایی ( *Seged, Lord of Ethiopia and his Efforts to be Happy* )، که در شماره ۲۰۴ مجله رامبلر ( *Rambler*، ۱۷۵۲) منتشر شد، متأثر بوده است. پیش‌نهاد می‌شود که نویسنده برخی از منابع را که مغفول مانده است ملاحظه و مطالب را براساس نظریه‌های ادبیات تطبیقی مستند و روش‌مند کند.

## کتاب‌نامه

- اولیایی‌نیا، هلن (۱۳۹۸)، سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زیان هم‌دل، تهران: نگاه معاصر.
- جانسون، ساموئل (۱۳۸۲)، راسلاس، شاه‌زاده سعادت‌جوی، ترجمه مهناز صادقی، تهران: پرسمان.
- جوادی، حسن (۱۳۹۶)، تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی، تهران: سمت.
- حدیدی، جواد (۱۳۹۳)، از سعدی تا آراگون؛ تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات فرانسه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳)، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، تهران: علمی.
- ستاری، جلال (۱۳۴۳)، «مقام سعدی در ادبیات فرانسه»، مهر، س ۱، ش ۴.
- صفاری، کوکب (۱۳۵۷)، افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی در ادبیات انگلیسی، تهران: دانشگاه تهران.
- یوست، فرانسوا (۱۳۹۷)، درآمدی بر ادبیات تطبیقی، ترجمه علی‌رضا انوشیروانی، تهران: سمت.
- یوسفی، غلام‌حسین (۱۳۹۸)، گلستان سعدی، تهران: خوارزمی.

Jost, François (1974), *Introduction to Comparative Literature*, Indianapolis: Pegasus Publishers.

Loloi, Parvin (2014), "Emerson and Aspects of Sa'di's Reception in Nineteenth-Century America 91-116", in: *Sufism and American Literary Masters*, Mehdi Aminrazavi (ed.), Albany: State University of New York Press.

۱۶۶ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۱، شماره ۱۰، دی ۱۴۰۰

Yohannan, John David (1977), *Persian Poetry in England and America: A 200-Year History*,  
Delmar, New York: Caravan Books.